

## سیستم دو پایه وکالت در حقوق انگلستان

حسن میرمحمد صادقی

به طور قطع سیستم دو پایه وکالتی که عمدتاً به دلایل تاریخی در حقوق انگلستان برخلاف اکثر کشورهای دیگر حاکم است، برای حقوقدانان و سایر مردم ما امری ناآشناست و تجربه نشان داده است که این ناآگاهی در بسیاری مواقع باعث سردرگمی کسانی که به نمایندگی از طرف سازمانها و ادارات مختلف، برای تعقیب دعوی خود و انتخاب وکیل مناسب به انگلستان سفر میکنند، میگردد، و حتی حقوقدانان و وکلای ایرانی که آنها را در مورد چگونگی پیگیری دعوی خود راهنمایی میکنند نیز معمولاً به دلیل عدم آشنایی با سیستم قضایی انگلستان از عهده ارائه طریق مناسب در این مورد برنمی‌آیند. به این دلیل و نیز به دلیل آنکه به طور کلی

مطالعه در زوایای مختلف سیستم‌های قضایی دیگر کشورها نافع و حتی لازم می‌باشد، قصد ما در این نوشتار آن است که گذری کوتاه بر وضعیت شغل وکالت دعاوی از نظر حقوق انگلستان داشته باشیم؛ به امید آنکه این مختصر بتواند مفید فایده وکلا و حقوق‌دانانی که یا در عمل با آن برخورد می‌کنند و یا صرفاً علاقمند به مطالعه جنبه‌های مختلف حقوق از نظر تطبیقی می‌باشند، قرار گیرد.

مقدمتاً باید گفت که وکلا از نظر حقوق انگلستان به دو شاخه سولیسیتور Solicitor و بریستر Barrister تقسیم می‌شوند که هر شاخه از نظر چگونگی تحصیل و کارآموزی، مؤسسات صنفی مربوطه، وظایف شغلی و بسیاری مسائل دیگر، مشخصه‌های مربوط به خود را دارد.

برای سهولت، کار هر یک از این دو شاخه در مبحث جداگانه‌ای مورد بحث قرار می‌گیرد:

## 1- سولیسیتور

اگر بخواهیم مقایسه‌ای بین وکالت و طبابت انجام دهیم سولیسیتورها (که در

حال حاضر در انگلستان حدود 35.000 نفر هستند) در حقیقت مانند پزشک عمومی، و بریسترها (که حدود 5.000 نفرند) بیشتر شبیه پزشکان متخصص می‌باشند. بدین معنا که برخلاف بریسترها که قسمت اعظم کار آنها را دادرسی (Litigation-advocacy) تشکیل می‌دهد، یعنی عمدتاً وظیفه دفاع از دعوی را در داخل دادگاه به عهده دارند، سولیسیترها به امور متعددی می‌پردازند که بیشتر آنها ارتباطی با دادرسی ندارد؛ به عبارت واضح‌تر آمار نشان می‌دهد که تنها حدود 2% از کل کاری که یک سولیسیتر به طور متوسط انجام می‌دهد، به دادرسی و اقامه دعوی در دادگاه می‌انجامد که در مورد همین 2% نیز مطابق قانون، سولیسیتر تنها باید ترتیب تماس با موکل و آماده کردن پرونده را بدهد و امکان دفاع از پرونده در دادگاه برای او وجود ندارد؛ بلکه باید برای این کار پرونده را به یک بریستر ارجاع دهد.

در مورد کارهای دیگر سولیسیترها می‌توان گفت قسمت اعظم کار آنها (حدود 60%) در زمینه نقل و انتقال املاک می‌باشد که مطابق قانون انگلستان تنها

با دخالت وکیل قابل انجام است، 5% راجع به مسائل خانوادگی مثل ازدواج و وصیت و غیره، 10% امور شرکتهای تجاری و حدود 20% باقی مانده را نیز به سایر کارهای متفرقه‌ای که به آنها ارجاع می‌شود می‌پردازند.

سولیسیتورها از نظر سازمانی تابع نهادی به نام Law Society می‌باشند. آنها برخلاف بریستورها می‌توانند به یاری هم به تشکیل شرکت دست بزنند. سابقاً حداکثر تعداد شریک در یک شرکت می‌توانست 20 نفر باشد؛ ولی در حال حاضر این محدودیت برداشته شده است و حتی شرکتهایی با 50 شریک اصلی نیز بافت می‌شوند. حدود 18% شرکتهای سولیسیتورها در حال حاضر کمتر از 5 شریک دارند.

در مورد کارآموزی سولیسیتورها باید گفت هر فرد متقاضی این شغل (که لزوماً هم نباید فارغ‌التحصیل دانشگاه باشد) باید یک دوره تئوری یک ساله را بگذرانند و بعد دوره کارآموزی عملی خود را که Articles نامیده می‌شود و برحسب درجه تحصیلات فرد از 2 تا 5 سال است، تحت نظر یک سولیسیتور انجام دهد.

## 2- بریستر

تأسیس بریستر از نظر حقوق انگلستان قدیمی‌تر از سولیسیتر است، بدین معنا که شاید تاریخچه دومی تنها به 2-3 قرن پیش باز گردد (هرچند تا قرن 19 تأسیسات منظمی نداشته‌اند)؛ در صورتی که تأسیس بریستر تاریخچه‌ای قدیمی‌تر از این دارد. بریسترها نسبت به سولیسیترها از حق انحصاری حضور در دادگاه‌های اصلی<sup>1</sup> برخوردار می‌باشند؛ به عبارت دیگر اگر دعوا به این دادگاه‌ها کشیده شود، سولیسیتر باید با استخدام یک نفر بریستر ترتیب دفاع از پرونده را در دادگاه بدهد.

البته در نقطه مقابل این حق بریسترها که سولیسیترها از آن محرومند، حقی وجود دارد که سولیسیترها از آن برخوردار و بریسترها آن را فاقدند و آن حق برقراری تماس مستقیم با موکل است؛

---

1. دادگاه اصلی در امور مدنی High Court و در امور جزایی Crown Court می‌باشد، که در این دو دادگاه تنها بریستر حق دفاع از دعوی را دارد. دادگاه مرحله پایین‌تر در امور مدنی Count Court و در امور جزایی Magistrates's Court است که در آنها سولیسیتر هم حق دفاع دارد.

به عبارت دیگر جز در موارد خیلی استثنایی (که واضح‌ترین نمونه آن دعوایی است که در خارج از انگلستان در جریان است و صرفاً قصد استفاده از نظرات حقوقی یک بریستر و جود دارد و یا دادن نظر مشورتی به یک دوست) هیچ بریستری حق برقراری تماس مستقیم با موکل، یا قبول دعوایی وی را ندارد و این کار حتماً باید از طریق سولیسیتر انجام شود. حتی بعد از تعیین بریستر توسط سولیسیتر هم، موکل و بریستر تنها در صورتی می‌توانند با یکدیگر ملاقات نمایند که سولیسیتر هم در این ملاقات حضور داشته باشد.

به دلیل وابستگی بریستر به سولیسیتر از نظر ارجاع کار، بعضی بریسترها مخصوصاً کسانی که از اهالی کشورهای دیگر می‌باشند (مثل هندی‌ها و پاکستانی‌ها) چون که کار چندانی به آنها ارجاع نمی‌شود مجبور می‌گردند که با طی مراحل مربوطه، شغل خود را به سولیسیتر تغییر دهند. علیرغم این وابستگی بریستر به سولیسیتر، باید گفت که از نظر طبقه‌بندی شغلی بریسترها در مرتبه بالاتری قرار دارند و بنابراین علی‌الاصول

آنها هستند که تاکتیک دعوا و چگونگی اداره آن را در دادگاه تعیین می‌نمایند. در مورد تقسیم‌بندی موجود میان خود بریسترها، باید گفت که آنها به دو نوع Senior و Junior تقسیم می‌شوند و همانگونه که از نام آنها پیداست گروه دوم (که حدود 10% این شغل را تشکیل می‌دهند) از مقام بالاتری برخوردارند. چگونگی ارتقای مقام بریسترها بدین ترتیب است که آنها باید تقاضای خود را برای **لرد چنسلر**<sup>2</sup> که بالاترین مقام قضایی انگلستان است، ارسال دارند که وی با در نظر گرفتن عوامل مختلف با ارتقای مقام بریستر به Senior که بعضی مواقع Queen's Counsel (یا به اختصار Q.C.) نیز خوانده می‌شود، موافقت یا مخالفت می‌نماید.

با ارتقای مقام بریستر، خود به خود اجرت وی نیز بالا می‌رود. سابقاً دو قاعده در مورد ارتباط میان دو نوع بریستر وجود داشت: یکی اینکه هیچ وکیل مرتبه

---

**2.** این فرد ریاست مجلس لردها را به عهده دارد و مقام وی در حقیقت قضایی - سیاسی است و معمولاً با تغییر دولتها تغییر می‌یابد. انتخاب وی با پیشنهاد نخست وزیر به عهده ملکه (یا شاه) می‌باشد. تعیین صاحبان بیشتر سمتهای قضایی به عهده این فرد است.

بالا تری حق شرکت در جلسه دادگاه را بدون  
همراهی وکیل مرتبه پایینتر ندارد، و  
دوم اینکه حق الوکاله وکیل پایینتر  $2/3$   
حق الوکاله وکیل بالاتر می باشد. هر چند  
این دو قاعده در حال حاضر از بین رفته  
است ولی در عمل هنوز رعایت می گردد، و  
بدین خاطر چه بسا موکلان به علت هزینه  
زیاد از ارجاع کارشان به Q.C. ابا داشته  
باشند و در نتیجه Q.C. ها به اندازه کافی  
کار دریافت ندارند و حتی از تقاضای خود  
دائر بر ارتقای مقام پشیمان شوند؛ ولی  
پس از ارتقای مقام دوباره را هی برای  
بازگشت به مرتبه پایینتر وجود ندارد.  
ارتقای مقام بریسترها تغییر ظاهری  
را هم در وضعیتشان ایجاد می نماید؛ یعنی  
آنها صندلی های جلوتر را در دادگاه  
اشغال می کنند و حتی نوع لباس و کالتیشان  
هم تغییر می یابد و به جنس ابریشمین  
تبدیل می شود. و به همین دلیل بعضاً عمل  
ارتقای مقام بریسترها را به «پوشیدن  
لباس ابریشمین» (Taking Silk) تعبیر می کنند.  
یکی دیگر از خصیصه های بریسترها آن  
است که آنها را نمی توان در مورد  
عملکردشان در دادگاه به دلیل اهمال،



مورد تعقیب قرار داد. این مسأله بیشتر جذبه تاریخی دارد<sup>3</sup> و به سولیسیتورها نیز در مورد کارهایی که در داخل دادگاه انجام می‌دهند (در مواردی که حق دفاع از دعوا را در دادگاه دارند، یعنی در دادگاههای پایین‌تر) تسری داده شده است. در مورد تشکیلات بریسترها و تحصیلات و کارآموزی آنها باید گفت که هر بریستر باید عضویکی از چهار مؤسسه‌ای باشد که به نام Inns of Court مشهور هستند. نام این چهار مؤسسه به قرار زیر است:

1. The inner Temple.
2. The Middle Temple.
3. Lincoln's Inn.
4. Cray's Inn.

---

**3.** دلیل دیگری که برای این مصونیت ذکر شده، این است که چون بریستر موکل خود را انتخاب نکرده و حق رد دعوایی را که به او ارجاع شده است ندارد (مگر در یکی از سه مورد زیر: یا در همان زمان دفاع از دعوی دیگری را به عهده دارد، یا آن نوع کار را انجام نمی‌دهد و یا توافق بر سر حق‌الوکاله صورت نگیرد)، بنابراین عادلانه نیست که امکان تعقیب وی برای احمال و عدم دقت در دعوی وجود داشته باشد. البته این دلیل چندان قوی به نظر نمی‌رسد و بنابراین دلیل اصلی مصونیت، باید همان سوابق تاریخی باشد.

هر يك از اين چهار مؤسسه هيأت اداره‌کننده‌اي دارد که به نام Benchers خوانده مي‌شود و اعضاي آنها را بريسترهاي با تجربه‌تر و قضات تشكيل مي‌دهند. در کنار اين، هيأت مؤسس ديگري به نام Bar Council وجود دارد که تقريباً مشابه يك اتحاديۀ صنفی از حقوق وکلای عضو تشکيلات دفاع مي‌کند. در رأس هر چهار مؤسسه Senat for the inns of Court and the Bar قرار دارند، با حدود 90 عضو که سرپرستي کلي بر شغل وکالت دعاوي را به عهده دارد.

در ضمن شورايي به نام Council of Legal Education در هر يك از چهار مؤسس فوق‌الذکر مسؤول کارآموزي حقوقي کانديدهاي شغل وکالت دعاوي مي‌باشند. کارآموزي کانديدها که حتماً بايد فارغ‌التحصيل دانشگاه باشند - البته نه لزوماً در رشته حقوق - بدین صورت است که پس از دوره تئوري يك ساله امتحاني برگزار مي‌گردد و در صورت قبلي، کاندیدا قبل از اينکه بتوانند مستقلاً در دادگاه شرکت نمايد بايد کارآموزي عملي خود را در کنار بريستر ديگري دنبال کند. اين دوره کارآموزي عملي Pupliage خوانده مي‌شود.

دیگر از تأسیسات مربوط به این شغل Clerk یا منشی است که اهمیت آن به دلیل آن است که هیچ بریستری حق کار بدون داشتن منشی را ندارد. این منشی‌ها وظیفه صحبت با سولیسیتر در زمینه تعیین اجرت بریسترها را به عهده دارند و حقوق خودشان نیز از حق الوکاله بریسترها تأمین می‌شود و بنابراین منفعت شخصی آنها نیز ایجاب می‌کند که حق الوکاله را در حد امکان بالا نگه‌دارند.

دفاتر بریسترها Chamber خوانده می‌شود که در آن چند بریستر وابسته به یک مؤسسه (Inn) ولی هر یک در صلاحیت شخصی خود مشغول کار می‌باشند؛ چون بریسترها همانگونه که در فوق ذکر شد برخلاف سولیسیترها حق ایجاد شرکت را با همکاری سایر وکلان ندارند.

### نتیجه‌گیری

عمده‌ترین مطلبی که از بحث نسبتاً مفصل فوق باید مورد استفاده کسانی که در عمل درگیر دعاوی حقوقی در انگلستان می‌باشند و وکلای ایرانی آنها قرار گیرد، آن است که در کلیه موارد باید ابتدا به

سوليسیتر مراجعه شود و اگر دعوی به دادگاه کشیده شد، نیز حتی الامکان (مگر در مورد دعاوی مهم و مشکل) از استخدام وکیل رتبه بالا (Q.C.) توسط سولیسیتور جلوگیری به عمل آید؛ چرا که این کار چه بسا باعث بالا رفتن هزینه دعوی به صورت غیرمعقولي خواهد شد.